

## تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر گزارشگری مالی میان دوره‌ای: مطالعه مورد بورس اوراق بهادار تهران

محمد کاشانی پور

دانشیار، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تهران

kashanipour@ut.ac.ir

محمدابراهیم راعی عزآبادی

دانشجوی دکتری مدیریت مالی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Meraei68@yahoo.com

محمود ارشادی

کارشناس ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

Mahmood\_ershadi@yahoo.com

یکی از ویژگی‌های بازار سرمایه کارا، ارائه به موقع صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای توسط شرکت‌های پذیرفته شده در این بازار است. ویژگی‌های مالکیتی و مدیریتی شرکت می‌تواند نقش به‌سزایی در گزارشگری به موقع این صورت‌های مالی داشته باشد. بنابراین، هدف این تحقیق شناسایی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شش ماهه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ می‌باشد. برای این منظور، معیارهای تمرکز مالکیت، مالکیت سهامداران نهادی، اندازه هیأت مدیره، نفوذ مدیرعامل و استقلال هیأت مدیره جهت سنجش راهبری شرکتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در دوره تحقیق، مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیری ندارند. تنها تغییری که بر تأخیر گزارشگری این شرکت‌ها تأثیر داشته، متغیر کنترلی اندازه شرکت بوده که این اثر منفی می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: G1; G2

واژه‌های کلیدی: راهبری شرکتی، گزارشگری، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، تأخیر

## ۱. مقدمه

نظام راهبری شرکت‌ها که در کشور ما تحت عنوان "حاکمیت شرکتی" و "حاکمیت سهامی" هم ترجمه شده، امروزه از مقوله‌های بسیار مهم در ارتباط با مدیریت و اداره مطلوب شرکت‌ها است (شاهرخی، ۱۳۸۶). بحث راهبری شرکتی یکی از موضوعات مهمی است که در چند سال اخیر، کشورهای در حال توسعه را به خود مشغول کرده است. این بدان دلیل است که این کشورها از زیرساخت‌ها و نهادهای مالی قوی برای پرداختن به این موضوع برخوردار نیستند. راهبری شرکتی خوب جذب سرمایه را آسان‌تر ساخته و باعث افزایش ارزش سهم می‌شود (مک‌جی، ۲۰۰۹).

راهبری شرکتی یک بحث چند حوزه‌ای است که در حوزه علوم مختلفی چون حقوق، اقتصاد، مدیریت و علوم سیاسی مورد توجه و بحث تخصصی قرار دارد. چارچوب نظام راهبری باید آشکارسازی به‌موقع و صحیح در مورد مسائل عمده شرکت مانند موقعیت مالی، عملکرد، مالکیت سهام و مدیریت شرکت را فراهم آورد. از این رو، با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت راهبری شرکتی یکی از موضوعات اساسی در حوزه مدیریت است که باید توجه فراروانی به آن شود. اهمیت راهبری شرکتی در جهان به اندازه‌ای است که مؤسسه رتبه‌بندی استاندارد اندپورز معیارهای چندگانه زیر را برای سنجش وضعیت راهبری شرکتی معرفی کرده است (وکیلی فرد و گودرزی، ۱۳۸۸). ساختار مالکیت، روابط ذی‌نفعان مالی، ساختار و نحوه عمل هیأت مدیره، و پاسخگویی (شفافیت و افشای اطلاعات).

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، شفافیت و افشای اطلاعات از عوامل مهمی هستند که تحت تأثیر راهبری شرکتی قرار می‌گیرند. شفافیت یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم گزارشگری مالی است. شرکت‌ها باید هرگونه اطلاعاتی که ممکن است بر تصمیمات سرمایه‌گذاری گذاران

تأثیرگذار بوده را افشا نمایند. یکی از جنبه‌های شفافیت اطلاعات مالی، گزارشگری به موقع است (مک جی، ۲۰۰۹).

به موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی یکی از عوامل مهمی است که تصمیم‌گیران را در پیش‌بینی وقایع و اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری یاری می‌رساند. هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به موقع بودن را به عنوان یکی از جنبه‌های اساسی گزارشگری مالی در نظر می‌گیرد (مک جی، ۲۰۰۹). علاوه بر این، به موقع بودن یکی از ویژگی‌های کیفی حسابداری بوده و از ارکان اصلی مربوط بودن گزارشگری اطلاعات مالی به شمار می‌آید.

شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه یکی از عوامل تأثیرگذار در ایجاد شرایط رقابت کامل و ایجاد فرصت‌های برابر در این بازار است. شفافیت اطلاعاتی با ایجاد تساوی در فرصت‌ها اجازه می‌دهد تا انگیزه‌های بیشتری برای کار و سرمایه‌گذاری نسبت به ایجاد سود یا ثروت واقعی به وجود آید (نصرالهی و دیگران، ۱۳۹۰). شفافیت بازار سرمایه در گرو گزارشگری درست و به موقع شرکت‌های پذیرفته شده در بازار است. بنابراین بررسی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر گزارشگری به موقع می‌تواند عاملی مهم در بهبود این ویژگی کیفی اطلاعات حسابداری باشد. به موقع بودن گزارشگری مالی یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری است.

اطلاعات حسابداری کهنه، در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی فاقد ارزش هستند. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری‌های مالی، به اطلاعات جدیدتر اتکای بیشتری دارند، زیرا معتقدند که اطلاعات گذشته و کهنه تأثیر خود را بر قیمت سهام گذاشته پس این‌گونه اطلاعات منجر به کسب سود نخواهد شد. بنابراین دستیابی سریع‌تر به اطلاعات حسابداری، در تصمیم‌گیری بهینه اثر مثبت داشته و امکان کسب سود را افزایش می‌دهد. به همین دلیل است که اغلب بازارهای سرمایه مقررات و ضوابطی را برای انتشار اطلاعات بر شرکت‌های پذیرفته شده در آن بازار سرمایه معلوم کرده‌اند (اعتمادی و یارمحمدی، ۱۳۸۲).

علاوه بر این، مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه، اطلاعاتی است که در دوره‌های زمانی مشخص شده از سوی شرکت‌ها در بازار سرمایه منتشر می‌گردد. اما این اطلاعات

زمانی متمر ثمر هستند که در زمان مناسب گزارش شوند. به بیانی دیگر، تصمیم‌های مالی و اقتصادی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی به نحو قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر ارزش زمانی اطلاعات قرار دارد. به موقع بودن، اهمیت حیاتی برای بازارهای سرمایه دارد و به عنوان یکی از اجزای اصلی بازار سرمایه کارا محسوب می‌شود (اسدی و دیگران، ۱۳۹۱).

از طرفی دیگر، تحقق کارایی یکی از خواسته‌ها و سیاست‌های اصلی نهاد ناظر بر بازار و متولیان آن است. دسترسی همزمان و یکسان به اطلاعات دوره‌ای منتشره شرکت‌ها از سوی تمام سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها و فعالان بازار ازدغدغه‌های اصلی به حساب می‌آید. بررسی‌های صورت گرفته در بورس تهران طی سال‌های اخیر حاکی از عدم تحقق مناسب شرایط فوق می‌باشد. تأخیر در انتشار اطلاعات و گزارشات میان‌دوره‌ای شرکت‌ها شرایط نابرابر بین سهامداران عمده و سرمایه‌گذاران جزء را گسترش می‌دهد (ابریشمی موحد، ۱۳۹۰).

بنابراین سؤالی که در این تحقیق با آن روبرو هستیم این است که تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر در زمان گزارشگری صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای چگونه است؟ در ادامه و در بخش دوم، مبانی نظری تحقیق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم، پیشینه تحقیق را بیان کرده، سپس فرضیه‌های تحقیق مطرح می‌شوند. در بخش چهارم روش‌شناسی تحقیق را بررسی و در بخش پنجم آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. در پایان نیز نتیجه‌گیری و بحث انجام می‌پذیرد.

## ۲. مبانی نظری تحقیق

همان‌گونه که بیان شد، هدف این تحقیق شناسایی تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر تأخیر در زمان گزارشگری صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای است. بنابراین در این قسمت با توجه به مطالعات صورت پذیرفته، ابتدا مفاهیم حاکمیت شرکتی، گزارشگری و صورت‌های مالی را بیان کرده و در ادامه بحث، کارایی بازار که خود تحت تأثیر گزارشگری به موقع است را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۲-۱. حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی یک بحث چند حوزه‌ای است که در حوزه علوم مختلفی چون حقوق، اقتصاد و مدیریت و علوم سیاسی مورد توجه و بحث تخصصی قرار دارد. این مسئله و گستردگی موضوع آن یکی از دلایل وجود تعاریف متعدد و متنوع است که توسط افراد متفاوت، مؤسسات ملی و بین‌المللی و متخصصین و دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف ارائه شده است. هر کدام از این تعاریف در برگیرنده ویژگی‌های محیطی و ساختارها و علائق در جامعه‌ای است که تعاریف برای آن‌ها ارائه شده است و یا در برخی از متون نشان‌دهنده حوزه تخصصی نویسنده‌ای است که در تمرکز بر بخش خاصی از این مبحث گسترده از ابعاد دیگر آن چشم‌پوشی کرده است (سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۴). حاکمیت شرکتی در مفهوم کلی به ساختارها و فرایندهای تصمیم‌گیری، پاسخگویی و رفتار در صدر سازمان می‌پردازد. هدف از اعمال حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از وجود چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذی‌نفعان مختلف فراهم می‌آورد.

بررسی مطالعات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد با راهبری شرکتی وجود ندارد. تعاریف‌های موجود از راهبری شرکتی در یک طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، راهبری شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. در آن سوی طیف، راهبری شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان نظیر کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه وجود دارد. در یک تعریف کلی، حاکمیت شرکتی به مجموعه روابط میان مدیریت اجرایی، هیأت مدیره، سهامداران و سایر طرف‌های مربوط در یک شرکت گفته می‌شود و دو هدف اساسی کاهش ریسک بنگاه اقتصادی و بهبود کارایی درازمدت آن را دنبال می‌کند. اعمال حاکمیت شرکتی صحیح از طریق اعضای مستقل هیأت مدیره و کمیته‌های تحت نظر آنها عینیت یافته و در نهایت با ارتقای شفافیت و پاسخ‌دهی مدیریت اجرایی، به اهداف خود نایل می‌شود (رسانیان و کاشانی پور، ۱۳۸۸).

## ۲-۲. کارایی بازار و وظیفه نهاد ناظر

اطلاعاتی که توسط نهادهای مالی، واسطه‌های مالی و ناشران اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس منتشر می‌شود در واقع اساس تصمیم‌گیری فعالان بازارهای مالی است. زمانی این اطلاعات می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری صحیح قرار گیرد که به موقع، مربوط، کامل و قابل فهم باشند. عدم برخورداری اطلاعات از ویژگی‌های فوق باعث می‌شود که ماهیت ساز و کار کشف قیمت در بازار زیر سؤال رود و قیمت‌گذاری اوراق به شیوه‌ای مطلوب انجام نگیرد. در نتیجه نه تنها شفافیت و عادلانه بودن بازار زیر سؤال می‌رود بلکه پیش‌بینی روند آتی قیمت‌ها نیز برای سرمایه‌گذاران دشوار خواهد شد. ایجاد شفافیت و کارایی بیشتر در بازارهای مالی هدف اصلی افشای اطلاعات است. مخصوصاً اگر معاملات به صورت حضوری انجام گیرد، افشای اطلاعات موجب بهبود سازوکار کشف قیمت و در نتیجه قیمت‌گذاری بهینه و افزایش امکان پیش‌بینی منطقی روند قیمت‌ها می‌شود. در اینجا بحث کارایی بازار مطرح می‌گردد.

بازار کارا بازاری است که در آن اطلاعات موجود بلافاصله بر قیمت اوراق بهادار تأثیر می‌گذارد. اهمیت کارایی بازار سرمایه در این است که اولاً این کارایی موجب تعیین عادلانه قیمت اوراق بهادار شده و ثانیاً باعث می‌شود تا سرمایه به طور بهینه تخصیص یابد. یکی از انواع کارایی، کارایی اطلاعاتی می‌باشد. یعنی اطلاعات در اختیار همگان قرار می‌گیرد و اطلاعات به سرعت بر قیمت اوراق بهادار تأثیر خواهد گذاشت (تهرانی، ۱۳۸۸: ص ۱۹-۱۸).

یکی از معیارهای اصلی برای کارایی تصمیمات در تخصیص منابع و رشد اقتصادی، در دسترس بودن اطلاعات است. قوانین و مقررات به طور کلی اطمینان می‌دهد که اطلاعات در دسترس همگان قرار دارد، ولی قابلیت دسترسی به اطلاعات از ابعاد مهم دستیابی به شفافیت است. شرکت‌ها می‌توانند جریان دسترسی به اطلاعات را تسهیل نمایند. طبق نظریه علامت‌دهی، در صورتی که شرکت‌ها از ارائه اطلاعات درباره عملکردشان خودداری نمایند، بازار چنین عملی را به صورت اخبار بد تعبیر می‌کند و قیمت سهام آن شرکت را کاهش می‌دهد. بنابراین شرکت‌ها از انگیزه کافی برای انتشار اطلاعات برخوردار هستند. یکی از شروط رقابت کامل، شفافیت اطلاعات

است و فقدان آن باعث پیدایش رانت می‌گردد. هر قدر از جامعه سنتی به طرف جامعه مدرن حرکت می‌کنیم، میزان عدم شفافیت اطلاعات افزایش می‌یابد زیرا هر قدر یک جامعه پیشرفته‌تر باشد، تقسیم کار و تخصیص نیز بیشتر خواهد شد. تنوع تولیدات و افزایش تخصص و تقسیم کار، عدم تقارن اطلاعات (داشتن اطلاعات توسط متخصصین و نداشتن این اطلاعات توسط دیگران) را افزایش می‌دهد (دوانی و معینی به نقل از ابریشمی، ۱۳۸۸: صص ۳۴).

### ۲-۳. مبانی گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای

گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای، گزارش‌های مالی هستند که دوره‌های کوتاه‌تر از سال مالی را پوشش می‌دهند. متداول‌ترین نوع این گزارش‌ها برای دوره‌های سه ماهه و در برخی از شرکت‌ها برای دوره‌های شش ماهه تهیه می‌شود. این گزارش‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری برای روزآمد کردن اطلاعات آخرین مجموعه صورت‌های مالی سالانه و پیش‌بینی نتایج آتی مورد استفاده واقع شوند. انتشار گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای در بیشتر کشورهای جهان سابقه دارد (بادآورنهدی به نقل از ابریشمی، ۱۳۸۸). مسئولیت تهیه و ارائه گزارش مالی میان‌دوره‌ای با هیأت مدیره یا سایر ارکان اداره‌کننده واحد تجاری است. در رابطه با نحوه تهیه و ارائه گزارش مالی میان‌دوره‌ای دو دیدگاه وجود دارد:

الف) عده‌ای هر دوره میانی را به عنوان یک دوره مالی مستقل تلقی می‌کنند و به همین دلیل معتقدند که عملکرد مالی هر دوره میانی باید اساساً مشابه با دوره مالی سالانه تعیین شود. بر اساس این نظریه، برای شناسایی درآمدها و هزینه‌ها و انجام برآوردها در پایان دوره میانی، از همان اصول قابل اعمال برای دوره‌های مالی سالانه استفاده می‌شود. این روش، "روش منفصل" نامیده می‌شود.

ب) گروهی دیگر، هر دوره میانی را به عنوان بخش لاینفک دوره مالی سالانه تلقی می‌کنند. بر اساس این نظریه، شناسایی درآمدها و هزینه‌ها و انجام برآوردها در پایان دوره میانی، با توجه به پیش‌بینی عملکرد مالی برای مابقی دوره مالی سالانه صورت می‌گیرد. این روش، "روش متصل" نامیده می‌شود.

اهداف گزارش مالی میان‌دوره‌ای همانند اهداف گزارش سالانه است. گزارش مالی میان‌دوره‌ای، غالباً مبنایی اساسی برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی است این امکان را فراهم می‌سازد که چنین تصمیماتی بر اساس اطلاعات به موقع تر اتخاذ شود. بنابراین، الزامات ارائه اطلاعات مالی میان‌دوره‌ای تا حدود زیادی مشابه الزامات ارائه اطلاعات مالی سالانه است، اگرچه توازن بین خصوصیات کیفی "قابل اتکا بودن" و "به موقع بودن" اطلاعات مالی میان‌دوره‌ای، با در نظر گرفتن محدودیت فزونی منافع بر هزینه‌ها، ممکن است متفاوت باشد. گزارش مالی میان‌دوره‌ای باید حداقل شامل ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت سود و زیان جامع، صورت جریان وجوه نقد و گزیده‌ای از یادداشت‌های توضیحی باشد (استاندارد حسابداری شماره ۲۲).

### ۳. پیشینه پژوهش

#### ۳-۱. تحقیقات خارجی

تحقیقات فراوانی در زمینه عوامل مؤثر بر گزارشگری به موقع صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و راهبری شرکتی به طور جداگانه انجام شده، اما در ارتباط با تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر گزارشگری به موقع صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، کار چندان زیادی انجام نشده است. در ادامه به مرور برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌پردازیم. اسماعیل و چندلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در تحقیقی به بررسی زمان گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کوالالمپور پرداختند. آنها برای این منظور، رابطه بین ویژگی‌های شرکتی (اندازه شرکت، سودآوری، رشد و ساختار سرمایه) و زمان گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای این شرکت‌ها را مورد آزمون قرار دادند.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین زمان گزارشگری و ویژگی‌های شرکتی وجود دارد. اوسا آنسه و لونتیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان "گزارشگری مالی سالانه به

- 
1. Ismail and Chandler
  2. Owusu-Ansah and Leventis

موقع در یونان<sup>۱</sup>، عوامل مؤثر بر گزارشگری به موقع سالانه صورت‌های مالی ۹۵ شرکت غیرمالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن را شناسایی کردند. آنها تأثیر عوامل شرکتی و حسابرسی را بر گزارشگری به موقع صورت‌های مالی سنجیدند. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که ۵ درصد این شرکت‌ها، صورت‌های مالی خود را با تأخیر گزارش می‌کنند.

دوغان<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) و دیگران در تحقیقی با عنوان "آیا گزارشگری به موقع ارتباطی با عملکرد شرکت دارد؟" به بررسی ارتباط بین مجموعه‌ای از متغیرهای توضیحی (مثل اخبار خوب و بد، ریسک مالی، اندازه و صنعت) و زمان گزارشگری سالانه صورت‌های مالی پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که گزارشگری به موقع صورت‌های مالی تحت تأثیر سودآوری است. آنها همچنین نشان دادند شرکت‌هایی که با اخبار خوب مواجه هستند گزارش‌های خود را سریع‌تر منتشر می‌کنند. علاوه بر این، آنها به این نتیجه رسیدند گزارشگری صورت‌های مالی تحت تأثیر اندازه شرکت نیز قرار می‌گیرد.

ام سی گی<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در تحقیقی به بررسی زمان گزارشگری مالی شرکت‌های روسی که در صنعت ارتباطات فعال بودند، پرداخت. او به این نتیجه دست یافت که شرکت‌های روسی نسبت به شرکت‌های غیرروسی، گزارش‌های مالی خود را با تأخیر بیشتری منتشر می‌کنند. او همچنین نشان داد شرکت‌های بزرگ روسی نسبت به شرکت‌های کوچک، اطلاعات خود را سریعتر افشا می‌کنند، اما تفاوت معناداری در این امر وجود ندارد. یکی از دلایلی که باعث شد تا او این صنعت را انتخاب کند، حجم بالای سرمایه‌گذاری خارجی در این صنعت بود. نتایج این تحقیق نشان داد که گزارشگری شرکت‌های روسی در مقایسه با شرکت‌های غیرروسی با تأخیر بیشتری همراه است.

بابا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان "راهبری شرکتی و گزارشگری مالی" به بررسی تأثیر ساختار شرکت‌ها بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های تولیدی نیجریه‌ای پرداخت. نتایج این

1. Dogan  
2. McGee  
3. Baba

تحقیق حاکی از آن است که ارتباط قوی و مستقیمی بین ساختار شرکت و کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها وجود دارد.

آکل<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین راهبری شرکتی و به موقع بودن گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مصر بین سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۸ پرداخت. علاوه بر راهبری شرکتی، او رابطه بین اندازه شرکت، اهرم، کیفیت سود، مدیریت سود، افشای الکترونیکی و نظر حسابرس و گزارشگری به موقع را هم مورد بررسی قرار داد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که شرکت‌های سهامی عام مصری، با بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی، تأخیر در گزارشگری صورت‌های مالی خود را کاهش دادند.

عبادین و دیگران<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) تأثیر همزمان متغیرهای حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های شرکت را در به موقع بودن گزارشات مالی در بورس نیجریه را مطالعه کردند. این مطالعه بر روی جامعه ۲۰۲ شرکتی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیجریه انجام شد. گزارشات سال ۲۰۱۱ بررسی و به طور متوسط ۱۹۳ روز تأخیر در ارائه گزارشات حسابرسی شده نسبت به موعد مقرر و قانونی ارائه گزارشات مشاهده شد. متغیرهای مستقلی همچون استقلال هیأت مدیره، اندازه هیأت مدیره، اندازه شرکت، اهرم، سودآوری و اندازه شرکت حسابرسی در ارتباط با متغیر وابسته بموقع بودن بررسی شد. تحلیل چند متغیره نشان داد که اندازه شرکت حسابرسی ارتباط معنادار با متغیر وابسته تحقیق دارد.

ال طاهات<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر مشخصه‌های شرکت (اندازه، سابقه و اهرم) بر گزارشگری مالی بموقع در بورس اردن پرداخت و این نتیجه حاصل شد که تأثیر معناداری بین این مشخصه‌ها و گزارشگری مالی وجود دارد.

---

1. Akle  
2. Ibadin et al  
3. AL-Tahat

### ۳-۲. تحقیقات داخلی

اعتمادی و یارمحمدی (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر گزارشگری میان‌دوره‌ای به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها در این تحقیق هفت عامل، شامل: اندازه شرکت، سودآوری، پیچیدگی عملکرد، عمر شرکت در بورس اوراق بهادار تهران، میزان معاملات سهام، ترکیب مالکیت و وجود یا عدم وجود نظام حسابداری بهای تمام شده مطلوب را به عنوان عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری میان‌دوره‌ای انتخاب و بر اساس آن هفت فرضیه تدوین کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که از میان عوامل مذکور، فقط میزان معاملات سهام شرکت‌ها بر سرعت گزارشگری تأثیر داشته است.

مهدوی و جمالیان پور (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری مالی ۲۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۸ پرداختند. آنها از متغیرهای اندازه شرکت و نسبت سرمایه‌گذاری مجدد سود جاری به عنوان عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری استفاده نمودند. نتایج این تحقیق نشان داد که با استفاده از نسبت‌های مالی و غیرمالی می‌توان به مدل‌های معناداری برای پیش‌بینی سرعت گزارشگری مالی دست یافت.

اسدی و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای" رابطه بین ویژگی‌های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۶۲ شرکت غیرمالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۳ را مورد بررسی قرار دادند. ویژگی‌های مورد بررسی شامل اندازه شرکت، قدمت، سودآوری، رشد، اهرم و حجم معاملات سهام بود. آنها به این نتیجه رسیدند که اندازه شرکت و سودآوری رابطه معکوس معناداری با فاصله زمانی گزارشگری دارند. سایر متغیرها نیز رابطه‌ای با فاصله زمانی گزارشگری نداشت.

خداامردی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های بورسی پرداختند. آنان برای این منظور، میزان تأثیر هفت عامل اثرگذار بر تأخیر شامل قدمت بورسی، صنعت، اندازه، ساختار سرمایه، رشد، سودآوری و حجم معاملات

سهام را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که در دوره تحقیق از بین هفت متغیر مستقل مورد بررسی، رابطه معکوس معناداری بین قدمت بورسی با تأخیر در انتشار گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای مشاهده می‌شود. این بدان معناست که هر چه قدمت بورسی شرکت بیشتر باشد گزارشات آن شرکت با تأخیر کمتری نسبت به مهلت مقرر ارائه شده‌اند. سایر متغیرها ارتباط معناداری با تأخیر در انتشار گزارشات نداشته‌اند.

بیات و علی احمدی (۱۳۹۳) به بررسی عوامل اثرگذار بر به موقع بودن گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. روش انجام تحقیق شبه تجربی و از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره استفاده گردید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی، بین اندازه شرکت، اظهار نظر حسابرس، تغییر مدیریت، و درصد مالکیت نهادی با تأخیر حسابرسی رابطه منفی وجود دارد.

در تحقیقی دیگر رحیمیان و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون خطی استفاده شد و نتایج پژوهش بیانگر عدم تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۴) عوامل مرتبط با به هنگامی گزارشگری مالی سالانه در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را در خلال سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۷ بر اساس دو تکنیک شبکه‌های عصبی مصنوعی و درخت تصمیم بررسی نمودند. نتایج حاکی از این است که به ترتیب متغیرهای نسبت مالکیت سهامداران نهادی، تعداد سهامداران عمده، صنعت، حسابرس بزرگ، اظهار نظر مقبول، نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره، گزارش تلفیقی و بازده ارزش ویژه بیشترین اثر را بر به هنگامی دارند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه گزارشگری به موقع صورت‌های مالی، عمدتاً بر تأثیر ویژگی‌های شرکتی بر زمان گزارشگری تأکید داشته یا اینکه

زمان گزارشگری شرکت‌های دو کشور مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. بنابراین تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر گزارشگری به موقع به ندرت مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی دیگر تحقیقاتی که در زمینه راهبری شرکتی و گزارشگری مالی صورت پذیرفته، معمولاً بر گزارشگری سالانه تمرکز داشتند که در این تحقیق تمرکز ما بر گزارشگری مالی میان‌دوره خواهد بود.

#### ۴. فرضیه‌های تحقیق

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، هدف این تحقیق شناسایی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر در زمان گزارشگری صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بر این اساس و بر مبنای تحقیقاتی که در زمینه راهبری شرکتی صورت پذیرفته، یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی زیر برای این تحقیق مطرح شده است. فرضیه اصلی: راهبری شرکتی بر تأخیر گزارشگری صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران تأثیر گذار است.

فرضیه‌های فرعی:

- تمرکز مالکیت بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است.
- درصد مالکیت سهامداران نهادی بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران تأثیر گذار است.
- اندازه هیأت مدیره بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است.
- استقلال هیأت مدیره بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است.
- نفوذ مدیرعامل بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذار است.

## ۵. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ می‌باشد که دارای شرایط زیر باشند:

- قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- عضوی از صنایع بانکی، بیمه و بازنشستگی، چند رشته‌ای، لیزینگ و سرمایه‌گذاری نباشند.
- اطلاعات مورد نیاز آنها در دوره مورد بررسی موجود باشد.
- در این تحقیق نمونه‌گیری انجام نشده و تمامی شرکت‌هایی که دارای شرایط ذکر شده بوده، مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین با توجه به شرایط مذکور، تعداد ۲۶۲ شرکت جهت گردآوری داده انتخاب شدند. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تحقیق از منابع زیر استخراج شده‌اند:
- منابع کتابخانه‌ای: برای نگارش ادبیات و پیشینه تحقیق.
- روش اسناد کاوی: برای استخراج داده‌های تحقیق جهت آزمون فرضیه‌ها.

متغیر مستقل این تحقیق راهبری شرکتی است که با استفاده از پنج معیار تمرکز مالکیت، درصد مالکیت سهامداران نهادی، نفوذ مدیرعامل، اندازه هیأت مدیره و استقلال هیأت مدیره اندازه‌گیری می‌شود. این پنج معیار به دو دلیل انتخاب شده‌اند:

۱. در بیشتر تحقیقاتی که در زمینه راهبری شرکتی چه در داخل و چه در خارج صورت پذیرفته، از این معیارها برای اندازه‌گیری راهبری شرکتی استفاده شده است.

۲. از میان مکانیزم‌های راهبری شرکتی، این معیارها با محیط کسب و کار ایران سازگاری دارد. در زیر تعاریف عملیاتی این معیارها بیان شده‌اند (اعتمادی و یارمحمدی، ۱۳۸۲، اسدی و همکاران، ۱۳۹۱، ابریشمی، ۱۳۹۰).

- تمرکز مالکیت: عبارت است از مجموع درصد تملک سهامدارانی که حداقل ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

- درصد مالکیت سهامداران نهادی: عبارت است از درصد سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری عمده نگهداری می‌شوند به کل سهام منتشر شده در دست سهامداران.  
- نفوذ مدیرعامل: چنانچه مدیرعامل عضو هیأت مدیره باشد عدد ۱، در غیر اینصورت عدد صفر را در نظر می‌گیریم.

- اندازه هیأت مدیره: عبارت است از تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت.

- استقلال هیأت مدیره: عبارت است از تعداد اعضای غیرموظف (مستقل) در ترکیب هیأت مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره.

متغیر وابسته این تحقیق تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای است. تأخیر عبارت از فاصله زمانی بین پایان مهلت مقرر بورس تا زمان ارائه گزارش‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده شرکت به بورس می‌باشد. میزان تأخیر هر شرکت در گزارشگری بر اساس مفاد بند چهار ماده هفت دستورالعمل اجرائی افشا محاسبه شده است.

سه متغیر اندازه شرکت، نقدینگی و اهرم مالی هم به عنوان متغیرهای کنترل این تحقیق انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب این دو متغیر این است که در بیشتر تحقیقات از این دو متغیر به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است.

- اندازه شرکت: عبارت است از لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت در تاریخ پایان دوره مالی.  
- نقدینگی: برابر است با مجموع وجوه نقد و اوراق بهادار قابل معامله تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت.

- اهرم مالی: عبارت است از نسبت کل بدهی به حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی هر سال. با در نظر گرفتن هدف تحقیق که همان بررسی و تعیین تأثیر راهبری شرکتی بر تأخیر گزارشگری صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای است، از روش رگرسیون چندگانه به صورت زیر استفاده شده است:

روابط زیر نحوه تصریح مدل مورد نظر را نشان می‌دهند:

$$DEL = \beta_0 + \beta_1 * \text{Ownership Concentration} + \beta_2 * \text{Institutional} \quad (1)$$

$$\text{Ownership} + \beta_3 * \text{Board Size} + \beta_4 * \text{Board Independency} \quad (2)$$

برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق از نرم‌افزار EViews و روش پانل دیتا استفاده شده است. در ابتدا با استفاده از آزمون دیکی فولر پایایی متغیرها بررسی شد، سپس با استفاده از آزمون F لیمر و هاسمن وجود اثرات بین سال‌ها و مقاطع مورد آزمون قرار گرفته است. در نهایت برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون به شیوه پانل دیتا استفاده شده است.

## ۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

با توجه به اینکه در این مقاله از روش پانل دیتا استفاده شده است و همچنین دوره زمانی ۵ ساله تحقیق و تعداد ۲۵۴ شرکت مورد مطالعه یک ماتریس  $5 \times 254$  تشکیل خواهند داد، تعداد کل داده‌ها برابر با ۱۲۷۰ خواهد بود. بنابراین، به دلیل بالا بودن تعداد داده‌ها طبق قضیه حد مرکزی، این متغیرها حتی اگر نرمال هم نباشند رفتاری نرمال خواهند داشت و نرمال بودن یا نبودن این متغیرها تأثیری در نتیجه رگرسیون نخواهد داشت. قبل از آنکه به آزمون فرضیات تحقیق پرداخته شود لازم است از ویژگی‌های توصیفی شرکت‌ها اطلاع حاصل شود. از این رو میانگین و انحراف معیار هر کدام از متغیرهای تحقیق در کل دوره پنج ساله تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی

شاخص	اهرم	اندازه هیأت مدیره	اندازه شرکت	استقلال هیأت مدیره	نقدینگی	سهامداران نهادی	تأخیر	تمرکز مالکیت
میانگین	۱/۲۰۸	۵/۰۸۳	۵/۸۹	۰/۶۸۲	۰/۱۶۱	۰/۷۳۹	۰/۰۹۱	۰/۷۲
میانه	۱/۱۳۰	۵	۵/۸۴۱	۰/۷۱۲	۰/۰۸	۰/۸۳۲	۰/۰۴۳	۰/۷۶۷
ماکزیمم	۵/۶	۷	۸/۰۵۶	۱	۰/۹۵	۱	۰/۹۶۱	۱
مینیمم	- ۸/۹	۱	۴/۰۰۹	۰	۰	۰	۰	۰
انحراف معیار	۵/۲۴۰	۰/۴۵۳	۰/۶۵۳	۰/۲۰۵	۰/۲۵۴	۰/۲۶۱	۰/۱۲۷	۰/۲۱۱
تعداد	۱۲۶۱	۱۲۶۸	۱۲۶۶	۱۲۷۰	۱۲۶۷	۱۲۷۰	۱۲۷۰	۱۲۷۰
چولگی	۱/۴۲۳	۱/۲	۰/۵	۱/۲۵	۱/۷۴	- ۰/۹۶	۱/۴	- ۱/۳۶
کشیدگی	۵/۲۵۴	۲/۹۵	۰/۷	۲/۸	۲/۶	۱/۲۳	۴/۷	۱/۵۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، متوسط تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت‌ها حدود ۵ نفر هستند. کمیت متوسط استقلال هیأت مدیره نشان‌دهنده غلبه اعضای غیرموظف بر اعضای موظف و شباهت زیاد این پدیده در تمامی شرکت‌های جامعه با توجه به کمیت انحراف معیار است. کمیت متوسط مالکیت سهامداران نهادی و تمرکز مالکیت نیز حاکی از غلبه سهامداران حقوقی بر سهامداران حقیقی در این شرکت‌هاست و این امر در تمامی شرکت‌ها با توجه به کمیت انحراف معیار مصداق دارد.

آزمون پایایی متغیرها: در روش‌های معمول اقتصادسنجی انجام هرگونه برآوردی مشروط به حصول اطمینان از پایایی متغیرها می‌باشد. عمدتاً نامانایی متغیرها یا به عبارتی تصادفی بودن سری زمانی متغیرها منجر به کاذب شدن رگرسیون برآوردی می‌شود. برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون دیک‌ی فولر استفاده شده است. با توجه به مقدار  $(Prob \leq 0/05)$  متغیرهای اهرم، استقلال هیأت مدیره، نقدینگی، سهامداران نهادی و تأخیر در گزارش مالی در سطح پایا بوده، اما متغیرهای اندازه هیأت مدیره، اندازه شرکت، استقلال هیأت مدیره و تمرکز مالکیت در تفاضل مرتبه اول پایا شدند.

آزمون  $F$  لیمر: در روش داده‌های ترکیبی با لحاظ کردن ناهمگنی در مقاطع، تورش برآورد و هم‌خطی کاهش می‌یابد و کارایی، درجه آزادی و تغییرپذیری را افزایش می‌دهد. همچنین در روش داده‌های ترکیبی مدل‌های پیچیده‌تری قابل بررسی است و اثرات، بهتر تشخیص و اندازه‌گیری می‌شوند. برای انتخاب مسئله ناهمگنی واحدها می‌توان از  $F$  لیمر کمک گرفت. در صورت تأیید ناهمگنی واحدها، الگو از طریق داده‌های پانل برآورد می‌شود و در غیر این صورت به روش OLS معمولی یا Pooling Data برآورد می‌شود. نتایج این آزمون بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد فرضیه‌ها می‌باشد.

بررسی اثرات بین متغیرها: بعد از این که مشخص شد ناهمگنی در مقاطع وجود دارد و تفاوت‌های فردی قابل لحاظ کردن است و روش داده‌های ترکیبی برای برآورد مناسب است، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا این که در طی زمان رخ داده است. در نحوه در نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر تصادفی مواجه می‌شویم. از آزمون هاسمن<sup>۱</sup> این است که "هیچ ارتباطی بین جزء اختلال مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن‌ها مستقل از یکدیگر هستند". به عبارت دیگر، در صورتی که فرضیه صفر رد و فرضیه مقابل پذیرفته شود، روش اثرات ثابت سازگار و روش اثرات تصادفی ناسازگار است و باید از روش اثرات ثابت استفاده کنیم. با توجه به نتایج این آزمون ( $Prob \leq 0.05$ )، برای بررسی روابط رگرسیونی متغیرها از اثرات ثابت استفاده می‌کنیم. نتایج آزمون فرضیات پژوهش: نتایج آزمون فرضیات در جدول ۲ ارائه شده است.

---

### 1. Hausman Test

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیات

نتیجه	سطح معنی‌داری	آماره t	ضرایب رگرسیونی	متغیر وابسته تأخیر گزارشگری مالی
معنی‌دار نیست	۰/۰۹۴	۱/۶۷	۰/۰۶۶	تمرکز مالکیت
معنی‌دار نیست	۰/۷۰۵	۰/۳۷۸	۰/۲۰۸	مالکیت سهامداران نهادی
معنی‌دار نیست	۰/۶۴۱	۰/۴۶۷	۰/۹۷	استقلال هیأت مدیره
معنی‌دار نیست	۰/۹۳۸	۰/۰۷۸	۰/۰۰۱	اندازه هیأت مدیره
معنی‌دار نیست	۰/۷۸۹	۰/۲۶۸	۰/۱۶۶	اهرم
معنی‌دار است	۰/۰۰۸۶	-۲/۶۳۴	۰/۵۵۹	اندازه شرکت
معنی‌دار نیست	۰/۵۱۱	۰/۶۵۷	۰/۱۲۳	نقدینگی
معنی‌دار است	۰/۰۰۷	۲/۶۸۳	۰/۱۱	C
۳/۶۹	آماره f		۰/۵۶۵	ضریب تعیین
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری آماره f		۰/۴۱۲	ضریب تعیین تعدیل شده
		۲/۵۲		آماره دوربین واتسون

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول بالا احتمال آماره  $F (F < ۰/۰۵)$  معادله رگرسیون در کل معنادار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر ۰/۴۱ می‌باشد، که نشان می‌دهد ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته، قابل استناد به تغییرات متغیرهای مستقل می‌باشد و بقیه تغییرات متغیر وابسته، ناشی از تغییرات سایر عوامل می‌باشد که در اینجا نادیده گرفته شده‌اند. با توجه به سطح و معنی‌داری بین متغیرهای مستقل و وابسته تنها تأثیر متغیر اندازه شرکت بر متغیر وابسته تأخیر در گزارش مالی معنی‌دار می‌باشد. بر اساس ضریب رگرسیونی این متغیر می‌توان گفت که اندازه شرکت تأثیر معکوسی بر تأخیر در گزارش مالی دارد.

فرضیه اول به این صورت نگاه شده است: "تمرکز مالکیت بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معناداری دارد." با توجه به اطلاعات جدول ۲، از آنجا که سطح معنی‌داری

آزمون معادل  $0/09$  است، پس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تمرکز مالکیت بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معنی‌داری نداشته و در نهایت این فرضیه تأیید نمی‌شود. فرضیه دوم به این صورت تدوین شده است: "مالکیت سهامداران نهادی بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معناداری دارد." با توجه به اطلاعات جدول ۲ از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون معادل  $0/07$  است پس با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که مالکیت سهامداران نهادی تأثیر معنی‌داری بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای نداشته و در نهایت این فرضیه نیز رد می‌شود.

فرضیه سوم عبارتست از: "اندازه هیأت مدیره بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معناداری دارد." طبق اطلاعات موجود در جدول ۲ کمیت سطح معنی‌داری آزمون معادل  $0/64$  بوده و در نهایت اندازه هیأت مدیره بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معنی‌داری نداشته و فرضیه تأیید نمی‌شود.

فرضیه چهارم تحقیق عبارتست از: "استقلال هیأت مدیره بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معناداری دارد." کمیت  $0/938$  در جدول ۲ نشان می‌دهد که استقلال هیأت مدیره بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای تأثیر معنی‌داری نداشته و در نتیجه فرضیه تأیید نمی‌شود. بنابراین بر اساس سطح معنی‌داری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای می‌توان گفت تنها متغیر کنترلی اندازه شرکت تأثیر معنی‌داری بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای دارد و چون ضریب رگرسیونی آن منفی است در نتیجه تأثیر منفی بر این متغیر دارد. در واقع هر چه شرکت بزرگتر باشد، ساز و کار مناسب‌تر و کارآمدتری را برای امور گزارشگری بموقع به نهادهای ذیربط فراهم می‌نماید. فرضیه ۵: بین میانگین تأخیر در گزارشگری مالی شرکت‌های که مدیر عامل در آنها نفوذ دارد و نفوذ ندارد تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳. آمار توصیفی مقایسه میانگین

مدیر عامل	انحراف معیار	میانگین	تعداد
نفوذ دارد	۰/۱۳	۰/۰۹۱	۱۰۴۶
نفوذ ندارد	۰/۱۱۴	۰/۰۹۱	۲۲۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون t نمونه‌های مستقل: نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون t نمونه‌های مستقل

آزمون لوین (Levene) برای تساوی واریانس‌ها		آزمون t مستقل			
آماره F	معنی‌داری (Sig)	آماره t	معنی‌داری (Sig)	تفاوت میانگین‌ها	
۲/۲۳۱	۰/۱۳۶	۰/۰۶	۰/۹۵۲	۰/۰۰۰۵۶	تساوی واریانس‌ها
		۰/۰۶۵	۰/۹۴۸	۰/۰۰۰۵۶	عدم تساوی واریانس‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول فوق بر اساس نتایج آزمون لوین تساوی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود در نتیجه از نتایج ردیف مربوط به تساوی واریانس‌ها برای آزمون t مستقل استفاده می‌کنیم. با توجه به سطح معنی‌داری این آزمون می‌توان گفت که بین نفوذ و عدم نفوذ مدیر عامل در تأخیر گزارش مالی شرکت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. منظور از نفوذ مدیر عامل این است که رئیس هیئت‌مدیره به عنوان مدیرعامل شرکت منصوب شود. این موضوع به طور مستقیم نمی‌تواند بر ساز و کار گزارشگری بموقع به نهادهای ذیربط تأثیر گذار باشد.

## ۷. نتیجه گیری

به موقع بودن گزارشات مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده بر کیفیت گزارشات و کارایی بازار کمک بسیاری خواهد کرد. تداوم تحقیقات در خصوص عوامل مؤثر در تأخیر ارائه گزارش‌های مالی می‌تواند به توسعه و رشد نظریات در این زمینه مهم در بازارهای مالی به ویژه در بازار بورس اوراق تهران منجر شده و به کاربرد نتایج در حوزه‌های اجرائی و پژوهشی کمک کند. هدف این تحقیق شناسایی تأثیر مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر گزارشگری مالی میان‌دوره‌ای شش ماهه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۷ بود. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در دوره تحقیق، مکانیزم‌های راهبری شرکتی بر تأخیر در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیری نداشته‌اند. اما از میان متغیرهای کنترلی، تنها متغیری که بر تأخیر گزارشگری این شرکت‌ها تأثیر داشته، اندازه شرکت بوده که این اثر منفی می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق با نتایج حاصل از تحقیقات ام‌سی‌سی‌گی در سال ۲۰۰۷، دوغان در سال ۲۰۰۷ و اسدی و دیگران در سال ۱۳۹۰ سازگار است. در این تحقیقات رابطه معنادار و معکوس اندازه و تأخیر در گزارشگری مالی تأیید شده بود. همچنین یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات اعتمادی و یارمحمدی در سال ۱۳۸۲ و خدامرادی و ابریشمی در سال ۱۳۹۲ ناسازگار است. در این دو تحقیق ارتباطی بین اندازه شرکت و تأخیر در گزارشگری مالی مشاهده نشده بود. مطالعه حاضر خالی از اشکال و کاستی‌ها نمی‌باشد. برای تکمیل و تداوم این تحقیق موارد زیر پیشنهاد می‌گردد. محدودیت‌های تحقیق: به عنوان مهمترین محدودیت تحقیق می‌توان به محدودیت زمانی در جمع‌آوری اطلاعات اشاره نمود. از این رو می‌توان در تحقیقات آتی بازه طولانی‌تری را برای تحلیل شرکت‌ها مد نظر قرار داد.

جنبه نوآوری تحقیق: تاکنون تأثیر متغیرها و عوامل مختلف بر گزارشگری مالی بررسی شده است، اما در حوزه حاکمیت شرکتی تحقیقی به این منظور انجام نشده است. لذا در پژوهش جاری برای اولین بار این موضوع با استفاده از آزمون‌های آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

پیشنهادات کاربردی: نتیجه تحقیق نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار بین اندازه شرکت با تأخیر در زمان افشا اطلاعات مالی میان‌دوره‌ای است. پیشنهاد می‌شود متولیان و ناظران بازار به منظور تسریع در تحقق شرایط مطلوب گزارش‌دهی شرکت‌ها سیاست‌های مختلفی به شرح ذیل را اتخاذ و پیگیری نمایند.

- انجام بررسی‌های لازم در خصوص قابلیت اطمینانی و توان سیستم‌های اطلاعاتی و عملیاتی شرکت‌های متقاضی پذیرش در بورس.

- تعدیل عامل اندازه شرکت‌ها در روش‌ها یا آیین‌نامه‌های مربوط به رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته شده از حیث عامل افشا به این معنی که ضرایب وزنی یا تشویق به شرکت‌هایی که با اندازه کوچکتر از رشد و بهبود بیشتری در کاهش تأخیر یا افزایش به موقع بودن در گزارشگری میان‌دوره‌ای داشته‌اند، تعلق گیرد.

- تسریع در اجرای کامل نظام حاکمیت و راهبری شرکتی.

پیشنهادات پژوهشی: با توجه به نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه که فقط سهم ۴۱ درصدی برای متغیرهای مستقل تحقیق در تبیین و توضیح رفتار متغیر وابسته قائل است، لذا موضوعات زیر به عنوان تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود.

- بررسی دقیق‌تر تأثیر نوع صنعت از حیث پیچیدگی و سایر موضوعات در ارتباط با تأخیر.

- بررسی تأثیر نوع صورت‌های مالی از حیث تلفیقی و غیرتلفیقی بر تأخیر.

- بررسی تأثیر نوع و تعداد شرکت‌های تابعه و وابسته بر تأخیر.

- بررسی در خصوص تفکیک سهم شرکت و مؤسسه حسابرسی در تأخیر.

- بررسی دقیق‌تر عامل راهبری شرکتی و ساختار مالکیتی و تأثیر آن بر تأخیر.

## منابع

- ابریشمی موحد، مهدی (۱۳۹۰)، "بررسی تأثیر عوامل شرکتی بر تأخیر گزارشگری صورت های مالی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- اسدی، غلامحسین، باغومیان، رافیک و جواد کامرانی (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین ویژگی های شرکت و به موقع بودن گزارشگری مالی میان دوره ای"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- اعتمادی، حسین و اکرم یارمحمدی (۱۳۸۲)، "بررسی عوامل مؤثر بر گزارشگری میان دوره ای به موقع در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره دوم، صص ۸۷-۹۹.
- بیات، علی و سعید علی احمدی (۱۳۹۳)، "تاخیر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی"، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶ (۲۲)، صص ۹۷-۱۲۱.
- تهرانی، رضا (۱۳۸۸)، مدیریت مالی، انتشارات نگاه دانش، تهران.
- خداامادی، سعید؛ شیخ، محمد جواد و مهدی ابریشمی (۱۳۹۲)، "بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر گزارشگری مالی میان دوره ای (مطالعه تجربی: بورس اوراق بهادار تهران)"، نشریه پژوهش های تجربی حسابداری، دوره چهارم، شماره ۱.
- رحیمیان، نظام الدین؛ توکل نیا، اسماعیل و محمود قربانی (۱۳۹۳)، "درماندگی مالی و تأخیر گزارش حسابرسی"، دانش حسابداری مالی، ۱ (۲)، صص ۵۷-۷۷.
- رسائیان، امیر و محمد کاشانی پور (۱۳۸۸)، "حاکمیت شرکتی و کنترل"، نشریه کارآفرینان/میرکبیر، شماره ۵۱، صص ۲۲-۱۹.
- سازمان حسابرسی (۱۳۸۹)، استاندارد حسابداری شماره ۲۲، گزارشگری مالی میان دوره ای، ایران.
- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۰۴)، اصول حاکمیت شرکتی، ترجمه مهسا رهبری خرازی.
- شاهرخ، غلامرضا (۱۳۸۶)، "اصول نظام راهبری شرکت ها"، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۸۸، صص ۳۷-۲۵.

مرادی. مهدی؛ سلیمانی مارشک. مجتبی و مصطفی باقری (۱۳۹۴). "بررسی عوامل مؤثر بر به هنگامی گزارشگری مالی با استفاده از تکنیک‌های شبکه‌های عصبی مصنوعی و درخت تصمیم"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۱)، صص ۱۱۹-۱۳۷.

مهدوی، غلامحسین و مظفر جمالیان پور (۱۳۸۹)، "بررسی عوامل مؤثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۹-۱۰۸.

نصرالهی، زهرا؛ عارف منش، زهره و مهین رئیسی (۱۳۹۰)، "بررسی ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله چشم‌انداز مدیریت مالی و حسابداری، شماره ۲، صص ۲۹-۹.

وکیلی فرد، حمیدرضا و احمد گودرزی (۱۳۸۸)، "راهبری شرکتی در بانک‌ها"، مجله حسابرس، شماره ۴۴-۴۵، صص ۱۰۱-۹۶.

- Akle YH** (2011), "The Relationship Between Corporate Governance and Financial Reporting Timeliness for Companies Listed on Egyptian Stock Exchange:an Empirical Study". *Internal Auditing and Risk Management*, Vol. 2 No. 22, pp 10-17.
- AL-Tahat S** (2015), "Timeliness of Audited Financial Reports of Jordanian Listed Companies", *IPASJ International Journal of Management*, Vol. 3 No. 2, pp 39-47.
- Baba I** (2011), "Corporate Governance and Financial Reporting". *International Journal of Governance*, Vol. 1 No 2, pp 367-383.
- Dogan M, Ender C and C. Orhan** (2007), "Is Timing of Financial Reporting Related to Firm Performance? - An Examination on Ise Listed Companies", *International Research Journal of Finance and Economics*, Vol. 10 No 12, pp 221-233.
- Ibadin IM, Izedonmi F. and P. Ibadin** (2012), "The Association Between Selected Corporate Governance Attributes, Company Attributes And Timeliness of Financial Reporting in Nigeria", *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol. 3 No. 9, pp 137-144.
- Ismail K, and R Chandler** (2004), "The Timeliness of Quarterly Financial Reports of Companies in Malaysia", *Asian Review of Accounting*, Vol. 12 No 1, pp 1-18.
- McGee RW** (2009), *Corporate Governance in Developing Economies*, US: Springer.
- McGee, RW** (2007), "Corporate Governance in Russia: A Case Study of Timeliness of Financial Reporting in the Telecom Industry". *International Finance Review*, Vol. 7 No. 1, pp 365-390.
- Owusu-Ansah S** (2004), "Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging Capital Markets: Empirical Evidence from the Zimbabwe Stock Exchange", *Accounting and Business Research*, Vol. 30 No. 3, pp. 241-254.
- Owusu-Ansah S. and S Leventis** (2006), "Timeliness of Corporate Annual Financial Reporting in Greece", *European Accounting Review*, Vol. 15 No. 2, pp 273-287.